خرابات

ستارگان خاک

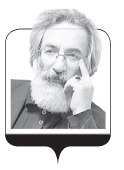

جواد طوسی

● نامه اعتراض‌آمیز بازیگر زن به معاون سیما، دکتر پورمحمدی، درباره رکود کاری و اقتصادی‌شان به دلیل ورود سرمایه‌گذاران خصوصی و اعمال سلیقه غیراصولی و حرفه‌ای آنها که زمینه‌ساز بازشدن درهای بازیگری به روی هر کسی شده است نشان می‌دهد که بحران و بی‌عدالتی و رقابت بی‌رحمانه در بازار کار علاوه بر حوزه‌های اصلی تجاری به عرصه فرهنگ‌وهنر نیز رخنه کرده است. حرف حساب این جمع بازیگران این است که عده‌ای تازه از گردِ راه‌رسیده و فاقد تجارب حرفه‌ای و پشتوانه تخصصی و آکادمیک جای آنها را تنگ کرده‌اند. در اینجا سیستم عرضه و تقاضا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یک تحقیق همه‌جانبه درباره آموزشگاه‌های سینمایی و تئاتر و علایق نسل جوان این زمانه، ما را به این واقعیت می‌رساند که «بازیگری» مسئله اصلی زندگی بسیاری از دختران و پسران در اقصانقاط کشورمان است. طبیعتا در این ماراتن نامتعادل و بیمارگونه هر کسی دلیل و معیار خودش را دارد. شاهد بوده‌ام که تعداد بی‌شماری از این شیفتگان با زبان بی‌زبانی گفته‌اند که از طریق همذات‌پنداری با یک نقش، اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کنند. اگر ما در متن جامعه فرصت‌های مناسب برای تخلیه‌کردن این نسل فراهم می‌کردیم تا اعتمادبه‌نفس موردنظرشان را از طرق دیگر نیز به دست می‌آوردند و صرفا به حوزه بازیگری سرازیر نمی‌شدند، چه‌بسا با این حجم گسترده متقاضیان و افرادی که برای بازیگرشدن دل و دین از کف داده‌اند و بعضا حاضرند برای رسیدن به هدفشان آدمِ دیگری بشوند، روبه‌رو نبودیم. متأسفانه تعدادِ درخور توجهی از این خیلِ مشتاقِ کلاس‌های بازیگری وقتی که محقق‌شدن زودهنگام آرزوهایشان را ناممکن می‌بینند و پشت درهای بسته قرار می‌گیرند دچار سرخوردگی و یأس و بدبینی می‌شوند و افرادی که از آنها بت ساخته بودند یکباره فرو می‌ریزند و حتی بعضی‌ها در صافی ذهن و درونشان به موجودی نفرت‌انگیز تبدیل می‌شوند.

این فضاسازی بی‌ضابطه برای ایجاد جاذبه‌های کاذب، عدم برنامه‌ریزی و سازماندهی صحیح در ساحت شناسایی و کشف استعدادهای واقعی، وضعیتی پرترافیک و غیرحرفه‌ای را رقم زده که شماری افراد قدیمی و باتجربه پشت در مانده‌اند و دیگر به بازی گرفته نمی‌شوند؛ زیرا در این صف طویل خاکستری اشخاصی هستند که یا خودشان را تحمیل کرده‌اند یا حاضرند اصلا دستمزد نگیرند یا به رقم ناچیزی رضایت دهند و حتی در مواردی مبلغی هزینه کنند تا دیده شوند!

قاعدتا چنین میزانسن و دورنمایی از بازیگری می‌تواند سطحی‌نگری، فساد، عدم اعتدال و زد و بند و بازارگرمی و درِ باغ سبزنشان‌دادنِ الکی و نگاه کاسب‌کارانه را جایگزین مناسبات سالم در فضاهای آموزشی حرفه‌ای کند. تجربه‌های تاریخی در سینمای جهان و محیط‌های آکادمیک بیانگر این واقعیت بوده که بازیگری یک هنر والا و ارزشمند است که هویت‌مندی و تعالی آن در وهله اول نیاز به گسترش فضای فرهنگی جامعه و ظرفیت‌پذیری آدم‌هایش دارد. جاه‌طلبی و اشتهار و ستاره‌بودن در شرایطی می‌تواند منطق‌پذیر باشد که رهرو این راه بر پایه استعداد و دانش و تلاش مستمر و عاشقانه خود بتواند بدون توسل به اعمال غیرمتعارف و عدول از خصایص انسانی، خودش را به‌درستی در جایگاهی مطمئن نشان دهد. اینجاست که یک بازیگر فرصت پیدا می‌کند خود را به‌خوبی محک بزند و با انگیزه کافی به یک رقابت سازنده و حرفه‌ای بیندیشد.

ادامه از صفحه ۹

سه هنرمند، سه نسل، یک وضعیت

این وضعیت‌ها، وضعیت‌هایی کاملا پراکنده است و آنچه در این نمایشگاه مورد توجه قرار می‌گیرد هم فقط شامل بخشی از آنها می‌شود و نه یک نمای کلی از چنین وضعیتی. من درعین‌حال کوشیدم تا از هنرمندان محدودی استفاده کنم،چون گستردگی احتمال رسیدن به یک حرف مشترک را کم می‌کرد، همین‌طور که در این نمایشگاه با اینکه تعداد هنرمندان محدود است باز ممکن است این سؤال پیش بیاید که ارتباط این آثار با یکدیگر چیست. چیزی که من فکر می‌کنم این است که لزوم کنار هم قرارگرفتن آثار در یک نمایشگاه گروهی صرفا یک تشابه بصری یا چیزهای این‌چنینی نیست، بلکه بیشتر ارتباطات مفهومی است که این آثار در بستری تعریف‌شده با یکدیگر برقرار می‌کنند. در این نمایشگاه هم با چنین رویکردی با آثار برخورد کردیم.

جشن بازیگر برگزار شد

شب ملودرام تئاتری

شرق: با اینکه انتظار از برگزاری سیزدهمین جشن بازیگر خانه تئاتر به‌مراتب بیشتر بود و به نظر می‌رسد بعد از پشت‌سرگذاشتن سال‌ها از برگزاری این مراسم، دست‌اندرکاران برگزاری مراسم باید به پختگی در این زمینه رسیده باشند، اما شاید بتوان گفت یکی از بی‌نظم‌ترین دوره‌های برگزاری جشن بازیگر خانه تئاتر در سیزدهمین دوره آن رقم خورد. میهمانان جشن، ساعاتی طولانی‌تر از حد معمول منتظر اعلام اسامی برگزیدگان نشستند و بی‌نظمی در اعلام اسامی برگزیدگان و سایر بخش‌های مراسم، انتقادهایی را به‌همراه داشت. احترام برومند اجرای این مراسم را برعهده داشت و بسیاری از هنرمندانی که برای دریافت جایزه روی صحنه حاضر شدند، برای داوود رشیدی آرزوی سلامتی کردند.

اجرای گروه موسیقی «ژیوار» در زمانی نسبتا طولانی، همچنین اجرای دو نمایش فُرم همراه با آهنگ «دیوار» گروه پینک فلوید از جمله دلایل طولانی‌شدن مراسم بود.

در این مراسم نیز اهالی تئاتر مطالباتشان را از دولت درخواست کردند و بار دیگر درباره لزوم توجه به معیشت و فعالیت هنری هنرمندان تئاتر صحبت کردند. متن پیام ملی تئاتر که توسط جمشید مشایخی نوشته شده بود و در غیاب او، بهزاد فراهانی آن را قرائت کرد، درددل‌های اهالی تئاتر بود. در بخشی از این متن آمده بود: «عزیزان همدل، مهربانان همراه، کلاه گشادی بر سرمان رفته است، چه خواستیم و چگونه شد؟ انگاشتیم که حرفه ما نمایش، بزرگ‌ترین هنر تأثیرگذار همه زمان‌هاست... این فعل «نداریم» را تا کی جامعهِ تئاتر قرار است تکرار کند؟ جامعه تئاتر از بزرگ و کوچک، از سهند تا تفتان، از مرو تا اروند بیش از ۴۰ سال است که خواست‌هایش را با هزار زبان هرروز هزاربار تکرار می‌کند و امید که گوشی باز در این ملک باشد تا بشنود و اقدامی کند. نام شغل ما چیست؟ چرا پس از چهار دهه آن را به رسمیت نشناخته‌اید. این یکی از خواست‌های تاریخی ماست. بودجه هنر تئاتر به اندازه گوشه کوچکی از سفره درندشت بی‌حساب بسیار کسانی نیست؟ چرا ما امنیت شغل خویش را نداریم؟

بخش دیگری از این مراسم به بزرگداشت سارا توکلی، ناصر جعفری، سیروس ابراهیم‌زاده و اکبر زنجان‌پور اختصاص داشت.

زنجان‌پور با اشاره به نمایش «در انتظار گودو» با بازی داوود رشیدی گفت: زمانی که این نمایش اجرا شد، بسیاری از حاضران در سالن هنوز به دنیا نیامده بودند بااین‌حال امیدوارم وقتی مثل من به اواخر عمر خود رسیدید همه‌چیز برایتان خوب بوده باشد چون به ما که خیلی سخت گذشت.

سیروس ابراهیم‌زاده نیز که با تشویق زیاد حضار روی صحنه آمد، در بخش‌هایی از صحبت‌هایش گفت: حال من خوب است چون در زمانی مورد لطف قرار می‌گیرم که از ادوار مهم و ارزشمند تئاتر است و آن هم آمدن و حضور گسترده جوانان در تئاتر ماست. در هیچ دوره‌ای، در ۶۰ سالی که در تئاتر فعالیت کردم، هیچ‌وقت این استقبال جوانان از کار تئاتر را ندیدم. این جوانان بسیار پرشور آمدند و فکر کنم علاوه بر جاذبه‌ای که تئاتر برایشان دارد، می‌خواهند خود را نشان دهند و بگویند که حضور داریم.

اما اهدای جوایز به برگزیدگان این دوره از جشن بازیگر خانه تئاتر بیش از اندازه طولانی شد و یکی از جذاب‌ترین بخش‌های مراسم، بی‌رمق برگزار شد.

فرید قبادی، بازیگر نمایش «ترور»، یکی از برگزیدگان بخش بازیگری مرد این جشن معرفی شد اما حمیدرضا نعیمی، کارگردان نمایش ترور، در اعتراض به واژه‌هایی چون «نقشی تک‌خطی» و «تک‌بُعدی» از سوی هیأت داوران برای بیان بازیگری قبادی در میان حضار گفت: فرید قبادی برای نقش ابن‌ملجم و تمام‌قد برازنده بود و رنج کشید اما در گفته دوستان و داوران کم‌انصافی است. آیا نقش او تکراری و تک‌خطی است؟ متأسفم برای هیأت داوران که آن نقش و متن را این‌طور برداشته‌اند.

بهناز جعفری نیز برای بازی در نمایش «اتاق ورونیکا» به‌عنوان یکی از برگزیدگان جشن معرفی شد.حسن معجونی، بازیگر نمایش «اسم»، الهام کردا، بازیگر نمایش «شنیدن» و حسام منظور، بازیگر نمایش «اودیسه» نیز به‌عنوان سه بازیگر برگزیده جشن بازیگران خانه تئاتر معرفی شدند.

گیتی قاسمی، بازیگر نمایش «عامدانه، عاشقانه، قاتلانه» و صابر ابر، بازیگر نمایش «کالیگولا» نیز از دیگر بازیگران برگزیده این جشن بودند.

دو بازیگر برگزیده استعداد جوانی که توسط اسماعیل خلج معرفی شدند تنها دقایقی قبل از آغاز مراسم از کاندیداشدنشان در این بخش معطل شدند و با تمام این بی‌نظمی‌ها در سالن حضور پیدا کردند. یلدا عباسی، بازیگر نمایش «ننه دلاور و فرزندانش» و داوود معینی‌نژاد، بازیگر نمایش «هزار شلاق» برگزیدگان این بخش بودند. گروه‌های بازیگری نمایش‌های «فصل بهارنارنج»، «صندلی‌ها»، «فهرست»، «سرگیجه»، «در بارانداز» و «بیضایی» به‌عنوان گروه‌های برگزیده بازیگری این جشن معرفی شدند.

محمدرضا لطفی به روایت ارشد طهماسبی

چرا محکم دست می‌زنید

مریم میری: ۱۲ اردیبهشت، سالگرد درگذشت محمدرضا لطفی، بهانه‌ای بود برای آنها که می‌خواهند زوایای پنهان این چهره موسیقی سنتی را بیشتر درک کنند؛ نوازنده‌ای که می‌نواخت، می‌خواند، آموزش می‌داد و در این اواخر، به دلیل موضع‌گیری‌هایش در عالم سیاست هم شناخته شده بود. بااین‌همه به‌نظر می‌رسد هرچه که رسانه‌ها در سال‌های واپسین عمرش، بیشتر به او توجه کردند، چهره واقعی‌اش، بیشتر در نقاب فراموشی و خاموشی رفت. «مکتب‌خانه میرزاعبدالله» که ماحصل این سال‌هاست، اکنون چه وضعی دارد؟ آیا لطفی به مدد این ساختار آموزشی توانست چهره‌ای آکادمیک برای موسیقی سنتی کشور فراهم کند؟ اینها و سؤالات بیشتر را در گفت‌وگو با «ارشد طهماسبی» مرور کرده‌ایم؛ نوازنده تار که مقدمات موسیقی را نزد لطفی فراگرفت و علاوه بر عضویت در گروه «چاووش»، در سال‌های اخیر با انتشار کتاب و سی‌دی در زمینه موسیقی در اشاعه موسیقی سنتی ایرانی گام‌های مؤثری برداشته که بی‌شباهت به آرزوهای استادش نیست.

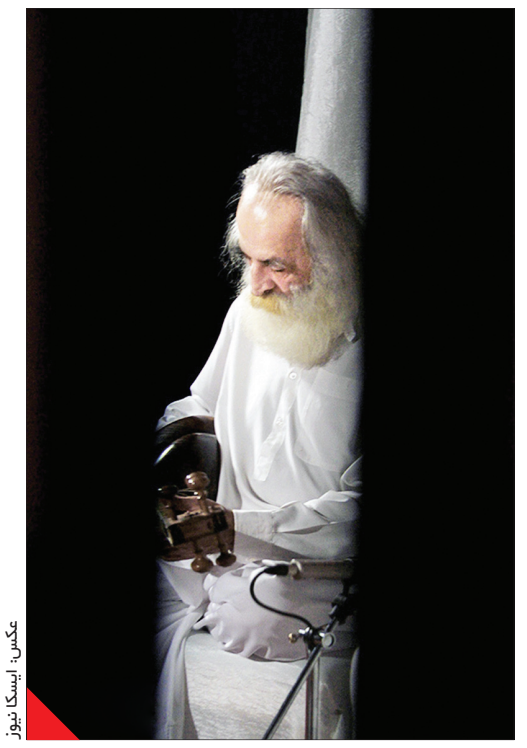

عکس: ایسکا نیوز

محمدرضا لطفی برای موسیقی سنتی چه کرد؟

اینکه لطفی در مکتب‌خانه یا در خارج از کشور چه می‌کرد مهم نیست، آنچه او می‌کرد بازتاب دانایی‌ها و اندیشه‌های او بود. او آخرین فرد در مسیر موسیقی سنتی است که آن بستر و آبشخور اصلی موسیقی را حفظ کرده و آخرین نماینده این نسل از موسیقی‌دان‌ها بود. اینکه می‌گویم این نسل از موسیقی‌دان‌ها، منظورم این است که اگر از دوره قاجار و از میرزاعبدالله شروع کنیم، بعد به درویش‌خان و بعد هم به صبا و بعد به‌عنوان‌مثال به استاد پایور برسیم، هرکدام از اینها در دوره خودشان منادی آن موسیقی خالص نسل پیش از خودشان بوده‌اند که آن مسیر را ادامه داده‌اند، اما آن نگرش‌ها و به‌روزبودن خود را هم وارد آن موسیقی کرده‌اند، اما اصل قضیه این است که یک نسلی از دوره قاجار که به نظر من آخرینشان لطفی بود، تداوم آن موسیقی را نمایندگی می‌کرد بنابراین لطفی به‌عنوان فردی که پیشینه موسیقی خود را خوب می‌شناسد و به ظرایف و دقایق این موسیقی اهمیت می‌دهد و بر آن وقوف کامل دارد، می‌شود موسیقی‌دانی که هم تواناست، هم اندیشه دارد و هم پیرو سبک و سلیقه خاصی است. بنابراین در هرجایی، چه در خارج، چه در دوره «چاووش» و چه در «مکتب‌خانه»ای که دایر کرد، افکار خودش را تبلیغ و سعی می‌کرد که نسل جدید موسیقی‌دان‌ها و جوان‌ها را که به‌خاطر جنجال موسیقی نو و به‌اصطلاح نوآوری در موسیقی و موسیقی تلفیقی، که از اصل خودشان می‌توانستند دور بشوند به سمت‌وسوی بستر اصلی موسیقی راهنمایی کند.

شما لطفی را آخرین فرد موفق در احیای موسیقی سنتی می‌دانید؟

سرگذشت اصلی موسیقی ما، همانند یک داستان است که باید جمله‌بندی خوب و درستی داشته باشد و با روح موسیقی، یعنی با آنچه که ملت ایران به خاطر گذشته تاریخی خود خواه‌ناخواه با آن می‌تواند ارتباط برقرار کند، تلفیق شود. این ارتباط برقرارکردن می‌تواند از لالایی مادر تا یک نغمه ناب درست باشد که مخاطب را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد حتی اگر مخاطب طرفدار نوع خاصی از موسیقی مانند تلفیقی، جاز و... باشد. بنابراین جوهر اصلی موسیقی ما در روزگار اخیر دارد دستخوش تغییراتی می‌شود که آن را از اصلش دور می‌کند. اما لطفی هیچ‌وقت این کار را نمی‌کرد؛ اگر هم بدعتی می‌گذاشت و نوآوری‌ای در کارش بود، در مسیر همین جوهر اصلی موسیقی بود.

از منظر شما شاگردان ایشان توانسته‌اند ادامه‌دهنده راه و دیدگاه‌های او حتی به طور نسبی باشند؟

خب روزگار، روزگار متفاوتی است به دلیل اینکه یک دوره‌ای امثال لطفی وقتی می‌خواستند به عرصه برسند تریبونی داشتند که این تریبون آنها را حمایت می‌کرد، تریبونشان رادیو بود و به وسیله رادیو شناخته می‌شدند. اکنون در این دوره که موسیقی در رادیو و تلویزیون به آن معنای درست استفاده نمی‌شود، موسیقی‌دان‌ها مفری برای عرضه ندارند بنابراین دوره، دوره‌ای است که جوان‌ها ناچارند به یک‌سری بزک‌ها و به یک‌سری رنگ‌ولعاب‌ها رو بیاورند تا بتوانند مخاطبانشان را در سالن‌ها داشته باشند. آن طیف شنونده واقعی این جریان موسیقی و آن کسانی که بتوانند این موسیقی را دنبال کنند به‌راحتی همدیگر را پیدا نمی‌کنند. البته در این نسل جدید هم هستند موسیقی‌دان‌هایی که همان نگاه و همان افکار را دارند اما یک‌جورهایی باید تاب بیاورند یک مقدار در انزوا باشند گرسنگی و ریاضت بکشند تا بتوانند ایستادگی کنند. متأسفانه و شوربختانه این نسل از موسیقی‌دان‌ها در اقلیت قرار گرفته‌اند و این به این سبب است که حمایتی از طرف ارگان‌ها و تبلیغ و ترویج و به‌ویژه آموزش درست نیست و مردم هرآنچه که به خوردشان می‌دهند را می‌پذیرند و سال‌ها می‌گذرد تا متوجه شوند که بی‌خبر بودند از جریانی که می‌توانست روح زندگی را به آنها بدهد و سرشارشان کند. جامعه قائل به کمیت‌ها نیست و از درون این کمیت‌ها در یک دوره خاص یک نابغه مانند لطفی درمی‌آید که کیفیت کارش باعث می‌شود چتر خود را روی طیف گسترده‌ای از جامعه باز کند. اینکه کسی مانند لطفی در آینده بیاید یا نیاید را من نمی‌دانم اما این را می‌دانم این امر در یک بستر اجتماعی مناسب محقق می‌شود و اینکه فردی مانند لطفی با این‌همه نبوغ موسیقی پیدا شود، آینده آن را روشن خواهد کرد.

لطفی به‌دنبال چه آرمان و آرزویی بود که نتوانست به آن جامه‌عمل بپوشاند؟ یا بهتر بگویم مرگ ایشان جلو کدام خواسته و آرزوی ایشان را گرفت؟

لطفی همیشه آرزوهای بزرگی برای موسیقی داشت. او وقتی که به ایران بازگشت، با شور و حرارت «مکتب‌خانه میرزاعبدالله» را دایر کرد و می‌خواست آن را گسترش دهد. همچنین می‌خواست در گرگان هم مرکزی برای موسیقی درست کند. او بسیار پرانرژی و بسیار عاشق موسیقی بود و زندگی‌اش را وقف این کار کرده بود. متأسفانه اجل مهلت نداد و ما خیلی زود لطفی را از دست دادیم، او می‌خواست مرکزی به وجود بیاورد که نقطه عطفی و مرجع رجوعی برای همه اندیشمندان بزرگ موسیقی که دلشان برای موسیقی و تداوم این نوع موسیقی می‌تپد، باشد تا آنجا جمع شوند و از اطلاعات و همیاری‌های لطفی بهره‌مند شوند کمااینکه در این چندسال اخیر خیلی‌ها توانستند نگاهشان را عوض کنند و به دیدار او بروند. امیدوارم آنهایی که از مکتب او استفاده کرده‌اند بتوانند در همان مسیر گام بردارند که تلاش لطفی به هدر نرفته باشد.

درحال‌حاضر «مکتب‌خانه» در چه اوضاع و احوالی است و توسط چه کسی اداره می‌شود؟

مرکز لطفی شامل دو بخش است. یک بخش آموزشی با عنوان مکتب‌خانه که استادان در آنجا به هنرجویان می‌آموزش می‌دهند؛ که بدون حضور لطفی چراغ آنجا به معنای واقعی روشنایی ندارد اما همکاران دیگر لطفی؛ آقای مظهری، دوستان و شاگردان دیگر در آنجا کلاس‌هایشان را دایر می‌کنند اما آنچه مهم است اینکه بخش دیگر آن، «آوای شیدا» که مرکز تولید آثار موسیقی و چاپ نشریه و کتاب و امثالهم بود، به وسیله وارثان او اداره می‌شود که من باید بگویم متأسفانه به نظر می‌آید فعالیت خیلی جدی‌ای در این زمینه صورت نمی‌گیرد و آن تداوم باانرژی حاصل نشده است.

به‌عنوان حرف آخر چه می‌گویید؟

در آخر می‌خواهم راجع به باغ مزار لطفی بگویم. ما همیشه در تب‌وتاب اولیه بعد از اتفاقات، جنجال می‌کنیم؛ روی سخنم به‌خصوص با ارگان‌هاست. دوسال بود که مزار لطفی خاک‌آلود بود البته اخیرا به همت تعدادی از دوستدارانش در گرگان فضای آبرومندتری حاصل شده است اما من روی سخنم با همه دوستداران لطفی و با وارثان او و ارگان‌های ذی‌ربط است که اگر وعده‌ای کردید و قرار است بقعه یا بارگاهی ساخته شود یا اگر قرار است به یک مرکز فرهنگی تبدیل شود، پس زمان تحقق این وعده کی خواهد بود؟

برگزیدگان جایزه «چهل» مشخص شدند

امیدهای ادبیات معاصر

برگزیدگان جایزه ادبی «چهل» از سوی مکتب تهران به‌عنوان «امیدهای ادبیات معاصر» معرفی شدند. به گزارش ایسنا، تندیس جایزه «چهل» در نخستین دوره به ترتیب حروف الفبا به پیمان اسماعیلی، حامد اسماعیلیون، حامد حبیبی، محمد طلوعی و مهدی یزدانی‌خرم رسید. این جایزه داستان‌نویسان ۳۵ تا ۴۰ ساله‌ای را که حداقل سه کتاب منتشر کرده‌اند داوری کرده است. در نخستین دوره جایزه «چهل»، فرشته احمدی، کوروش اسدی، یونس تراکمه، محمد حسینی، علی خدایی، ابوتراب خسروی، بلقیس سلیمانی، محمدحسن شهسواری، ناهید طباطبایی، مجید قیصری، مدیا کاشیگر، محمد کشاورز، مهسا محب‌علی، محمد محمدعلی و جواد مجابی کار داوری نویسندگان بین ۳۵ تا ۴۰ سال را برعهده داشتند.

در این دوره از جایزه، آرش آذرپناه، پیمان اسماعیلی، حامد اسماعیلیون، علی چنگیزی، حامد حبیبی، مریم حسینیان، فرزام شیرزادی، محمد طلوعی، اولدوز طوفانی، منصور علیمرادی، مرتضی کربلایی‌لو، شاهرخ گیوا، جواد ماه‌زاده، شیوا مقانلو، بهاءالدین مرشدی، مهدی یزدانی‌خرم، فرشته نوبخت و شهریار وقفی‌پور داوری شدند. مکتب تهران بناست هرساله جایزه ادبی «چهل» را برگزار و امیدهای ادبیات داستانی ایران را معرفی کند. هیأت امنای این جایزه، ناهید طباطبایی، جلال تهرانی و محمدحسن شهسواری هستند. همچنین سمیرا سپهرنیا دبیر اجرائی، مازیار تهرانی مدیر هنری و ابراهیم حسینی دبیر عکس نخستین دوره جایزه ادبی «چهل» بودند. در مراسم پایانی این جایزه، محمود دولت‌آبادی درباره نقش و تأثیر جایزه‌های ادبی، گفت: یک جنبه برگزاری جایزه‌های ادبی امکان اجتماع اهل نوشتن است که خیلی مفید است. بالاخره افراد باید در جایی همدیگر را ببینند و چه بهتر که به این مناسبت باشد. این نویسنده در ادامه متذکر شد: اما درباره جنبه تأثیرات جایزه و اهمیت آن همیشه از نظر من مثبت تلقی نشده است. علت آن هم این است که فکر می‌کنم جوایز تا امروز زیاد نتوانسته‌اند به‌عنوان عامل بیرونی نویسنده، پیش‌برنده باشند و ای بسا باعث وقفه هم شده‌اند؛ برای اینکه وقتی کسی جایزه می‌گیرد یک حس بیان‌نشدنی از طرف ما نسبت به او درک می‌شود که با این باور توأم است که حالا من برنده جایزه شده‌ام و همین امر باعث توقف نویسنده می‌شود. او همچنین گفت: غالبا تشخیص داده‌ام کسانی که جایزه می‌گیرند در حرکت بعدی خود فراتر می‌روند؛ اما فروتر نمی‌روند. بهتر است آنها فکر کنند که این برگزیده‌شدن نقطه شروع کار آنهاست نه پایان کارشان. بنابراین نظر من نسبت به جایزه کماکان همان است.

دولت‌آبادی اظهار کرد: جایزه‌دادن مثبت است برای اینکه عده‌ای را امیدوار می‌کند و عده‌ای را وامی‌دارد فکر کنند، بخوانند و برای ادبیات اهمیت و مرتبه قائل شوند؛ اما آن مرحله‌ای که من را همیشه نگران کرده هنوز هم این است که مبادا این جایزه به‌عنوان تصدیق تلقی شود و نویسنده آن را به دیوار خانه‌اش بزند و بگوید بسیار خب حالا کارم تسهیل شد و دیگر موردی برای مراتب بعدی وجود ندارد. این نویسنده در پایان سخنانش گفت: آرزو می‌کنم افراد در هر سنی که جایزه می‌گیرند فکر کنند نقطه‌ای است برای حرکت بعدی و احساس مسئولیت نسبت به خودشان و احترام برای دیگران.

در ادامه این مراسم که با اجرای بهاءالدین مرشدی همراه بود، جواد مجابی در سخنانی یکی از دلایل حضورش در این جایزه را تأکید برگزارکنندگان جایزه بر مسئله ارتباط بین نسل‌ها عنوان کرد. همچنین حمیدرضا اردلان به‌عنوان نماینده هیأت امنای مکتب تهران چند جمله‌ای درباره اهمیت داستان در دنیای معاصر گفت.

ناهید طباطبایی هم بیانیه هیأت داوران جایزه «چهل» را خواند که در این بیانیه همدلی و گفت‌وگوی بیشتر بین نویسندگان، بررسی کارنامه نویسندگان به‌جای بررسی یک اثر از آنها و تشویق نویسندگان به استمرار نوشتن، از اهداف جایزه «چهل» عنوان شده بود. به دلیل حضورنداشتن حامد اسماعیلیون و حامد حبیبی در مراسم به ترتیب مادر و پدر این دو نویسنده جایزه آنها را دریافت کردند. مدیا کاشیگر، علی خدایی، امیرحسن چهلتن، محمدرضا اصلانی، بلقیس سلیمانی، گلاب آدینه، شیرین بینا و سروش صحت از جمله حاضران در این مراسم بودند.

چهره روز

جشن شاگردان سمندریان برای او

● جشن تولد زنده‌یاد حمید سمندریان با حضور شاگردان آموزشگاه سمندریان، عصر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت در محل این آموزشگاه برگزار شد. در این مراسم که با حضور حمید لبخنده، مدیر آموزشگاه سمندریان و همچنین محمودرضا رحیمی، احمد ساعتچیان، علی‌اصغر دشتی، الیکا عبدالرزاقی، بهرام افشاری و کاوه سمندریان برگزار شد، لبخنده به شاگردان ترم جدید آموزشگاه خیرمقدم گفت و به ذکر خاطراتی از حمید سمندریان پرداخت. سپس احمد ساعتچیان با بیان اینکه استاد سمندریان همیشه کلاس را با ذکر نام و خاطرات خود از استادش ادوارد مارکس شروع می‌کرد، گفت: من هم با نام استادم، حمید سمندریان، کلاس را شروع می‌کنم و به شما علاقه‌مندان و شاگردان جدید آموزشگاه می‌گویم که صبور باشید و تلاش کنید و مطمئن باشید که در حرفه خودتان موفق می‌شوید. علی‌اصغر دشتی نیز در بخش دیگری از این مراسم به ذکر خاطره‌ای از زنده‌یاد سمندریان پرداخت و گفت: در اداره تئاتر و در دور اول تمرینات نمایش «بازی استریندبرگ» شاهد بودم که استاد به ثانیه‌ثانیه حضور بازیگران نمایش توجه می‌کرد. وقتی نمایش را دیدم، متوجه شدم که استاد برای هر ثانیه بازی‌ها و بازیگر فکر داشته است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تئاتر در پردیس چارسو

● **شرق:** نشست رسانه‌ای برنامه‌های هنری فصل بهار پردیس چارسو با حضور اشکان خطیبی، مدیر هنری پردیس چارسو، بابک چمن‌آرا، مدیر مرکز موسیقی بتهوون و عباس غفاری در سالن شماره دو پردیس چارسو برگزار شد. در این نشست رسانه‌ای اشکان خطیبی با تشریح برنامه‌های پردیس چارسو گفت: بعد از مدت‌ها برنامه‌ریزی و تغییرات اجرائی که در اجرای برنامه‌هایمان داشتیم، برنامه‌های فرهنگی پردیس چارسو از ۱۸ اردیبهشت‌ماه آغاز می‌شود.او بیان کرد: نخستین برنامه پاتوق فرهنگی چارسو «شنبه‌های نمایشنامه‌خوانی» است که در فصل بهار به آثار «مارتین مک‌دونا» اختصاص دارد و در اولین برنامه آن نمایش‌نامه «ستوان اینیمشور» به کارگردانی حسن معجونی و توسط گروه «لیو» خوانده می‌شود.بر اساس این گزارش، بلیت جلسات نمایش‌نامه‌خوانی و نمایش فیلم‌تئاترها در پردیس چارسو در سایت تیوال به نشانی www.tiwall.com به مبلغ ۱۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

انیمیشن ایرانی به «کن» می‌رود

● **شرق:** برای نخستین‌بار، فستیوال «انیمه انسی» فرانسه، انیمیشنی ایرانی را به بازار فیلم «کن» دعوت کرد. «انیمه انسی» میزبان انیمیشن «آخرین داستان» در کنار سه انیمیشن محصول کشورهای لهستان، فرانسه و کلمبیا- آلمان در شصت‌ونهمین فستیوال «کن» است تا این انیمیشن ایرانی، در برنامه‌ای دوساعته در کنار انیمیشن‌های منتخب دنیا برای پخش‌کنندگان و تهیه‌کنندگان بین‌المللی ارائه شود.«آخرین داستان» انیمیشنی ایرانی است که از سال ۸۹ کلید خورده و هنوز در حال تولید است و پیش‌بینی شده که بهار ۹۶ به اتمام برسد.سال ۲۰۱۳ نیز فستیوال «انیمه انسی» انیمیشن «آخرین داستان» را به‌عنوان یکی از شش پروژه برتر در حال تولید انیمیشن دنیا انتخاب کرد. از عوامل این انیمیشن که محصول استودیو هورخش است می‌توان به: اشکان رهگذر، کارگردان و سناریست، پویان مکری، مدیر پروژه، احسان رسولف، تهیه‌کننده و کریستف رضاعی، آهنگ‌ساز، اشاره کرد.هم‌اکنون بالغ بر صد هنرمند انیماتور در روند ساخت این انیمیشن همکاری دارند.«آخرین داستان» که برداشتی آزاد از داستان ضحاک شاهنامه فردوسی است، ۲۵ اردیبهشت (۱۴ می) در بازار «کن» ارائه می‌شود.

«جای من روتوی اتاق بنداز» درراه اسکار

● **شرق:** فیلم کوتاه داستانی «جای من رو توی اتاق بنداز» به کارگردانی امیر توده‌روستا، به بخش مسابقه جشنواره «کوتاه کوتاه» ژاپن که مسیر حضور در اسکار ۲۰۱۷ است، راه یافت. هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «کوتاه کوتاه» (Short Short) از ۱۳ خرداد تا ششم تیر ۱۳۹۵ در شهر «توکیو» ژاپن برگزار خواهد شد و فیلم کوتاه داستانی «جای من رو توی اتاق بنداز» به کارگردانی امیر توده‌روستا، در بخش «مسابقه آسیا»ی این جشنواره به نمایش درمی‌آید. جشنواره «کوتاه کوتاه» ژاپن، مهم‌ترین جشنواره فیلم کوتاه آسیاست و فیلم برگزیده آن، در فهرست انتخابی بخش فیلم کوتاه جایزه اسکار قرار می‌گیرد.